

بنیاد فرهنگی کهزاد

قدیمترین معبد بامیان

احمد علی کهزاد

قدیمترین معبد بامیان

احمد علی کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

با وجودیکه از ثلث اول قرن 7 مسیحی به بعد مقالات مختلف و از یک قرن باین طرف مطالعات مفصل تر و از 1928 تا امروز یک سلسله کتب علمی دقیق از طرف اعضای هیئت حفريات فرانسوی راجع به این دره معروف و آثار حیرت آور تاریخی و صنعتی (هنری) آن نوشته، هنوز هم بامیان، مخصوصاً در اذهان خود ما تاریک است و غیر از تحقیقات مزیدی که بکار دارد، تحقیقاتی که تا حال بعمل آمده هم خوب فهمیده نشده است.

از جمله موضوعات مختلف یکی مسئله اولین بنا یا قدیم ترین معبدی است که می خواهیم حتی الامکان شرح مختصری راجع به آن بنویسیم. قدیم ترین تذکاری که راجع به قدیم ترین معبد بامیان در دست است فقره کوتاه و مختصر زایر چینی «هیوان تسنگ» است که میگوید "یک پادشاه قدیم آنرا آباد کرده است". تاریخ این دره شهریر یا بهترتر بگوئیم تاریخ عمرانی بودائی بامیان با این فقره آغاز میشود. همان طور که نگارشات زائر موصوف عموماً بهترین رهنمای کاشفین معاصر محسوب میشود، این فقره او را علمای باستان شناس فرانسوی تمهید تحقیقات خویش در مورد بامیان قرار داده و در اطراف آن نظراً و عملاً داخل اقدامات شده اند.

موسیو فوشه بعد از اینکه وضعیت مساعد صفحات بلند و عمودی جدار کبیر بامیان را کنار شاهراه بین هند و بلخ شرح میدهد، به این میپردازد که آیا شروع اولین آبادی بودائی بامیان، مثلاً تاریخ عمران معبدی، را که «پادشاه قدیم» آباد کرده بود و شاید هسته انبساط عمرانات آینده شده بکدام عصر نسبت دهیم؟ موسیو فوشه خودش جواب این سوال را داده و موسیو هاکن در مطالعات خود در جلد اول و دوم آثار عتیقه بودائی بامیان به استناد آن تحقیقات خود را ادامه میدهد. از روی نظریات ایشان چنین بر می آید که «شاه قدیم» که اسم او را متاسفانه زائر چینی مجهول گذاشته سومین پادشاه دودمان کوشان، «کنیشکای کبیر»، است که امپراطوری کوشانی در عصر زمامداری او به منتهای قدرت و شکوه و ترقی رسیده بود. بنابراین تعمیر اولین معبد بودائی بامیان را که شاید به امر کنیشکا آباد شده بود، میتوان موافق به نظریات علمای فوق الذکر به اواخر قرن اول مسیحی نسبت داد.

زائر چین موقعیت معبد «پادشاه قدیمه» را بطرف شرق هیکل عظیم 53 متری قرار میدهد. از این معلوم میشود که اولین معبدی که در هوای آزاد، در پای جدار کبیر بامیان بنا یافته بود، در میان دو هیکل بزرگ و قریب تر به بت خورد یا مجسمه 35 متری در حوالی «دیر کنیشکا» وقوع داشت. چون متاسفانه این معابد در پای جدار بلند واقع بود،

نفوذ آب در مرور زمانه پرگنه های بزرگ احجار را از آن جدا کرده و با سقوط آنها معبد کنیشکا و دیگر معابد پیوست و متصل آن تحت پارچه های احجار ویران و پنهان مانده است. تنها اثری که از آبادی در هوای آزاد باقی مانده بقایای یک استوپه بزرگی است که بطرف شرق هیکل 35 متری، کمی دورتر از پای جدار کبیر و دورتر از خطر سقوط احجار دیده میشود.

مسئله قابل دقت این است که معبد «پادشاه قدیمه» یعنی اولین معبد در هوای آزاد، اولین هیکل بزرگ ساکیامونی بودا، اولین معبد تراش شده در دل کوه همه تقریباً در یک منطقه دره بامیان در مجاورت اراضی هیکل 35 متری وقوع داشته است. موسیو هاکن در کتاب "آثار عتیقه بودائی بامیان" از روی موقعیت معبد پادشاه قدیمه و پاره ملاحظات دیگر در زمینه معماری و هیکل تراشی و نقاشی نقطه ئی را که در آن باید آثاری از معابد اولیه بامیان کشف شود، معین نموده و تحقیقات عملی را موکول به آینده و به انبساط دامنه حفریات در ین کوشه دره نموده بود.

چهارده سال قبل وقتیکه در 1930 وارد بامیان شدیم، یکنفر از اهالی بامیان، شیر محمد نام، که تا این زمان با عایله خود در سموچ های شرقی بت 35 متری رهایش داشت، از سموچی که طویله حیوانات خود ساخته بود، یک پارچه پای مجسمه را با دو سه پارچه کوچک دیگر آورده و به موسیو هاکن نشان داد. با معاینه محل معلوم شد که این پارچه های کوچک نه از جایی که بصورت دقیق برای «معبد پادشاه قدیمه» تعیین شده بود بلکه از منطقه شرقی آن از نقطه ئی پیدا شده است که درست در مقابل خرابه استوپه هوای آزاد واقع میباشد. در ین منطقه پارچه های زیاد احجار به مرور زمانه از جدار کبیر جدا شده و بدون شبهه بعضی معابد قدیمه را ویران و پنهان کرده است. حفریات فوراً شروع و از 14 تا 16 جون 1930 سه روز کار بصورت حفر دهلیز ادامه یافت و پارچه های مجسمه پشت هم پیدا شده میرفت. علاوه برین به نوشته های روی پوست نهایت نازک درخت که در اثر نفوذ آب به هم چسپیده بودند، هم تصادف واقع شد. چون طول دهلیز به دومتر و هفتاد سانتی متر رسیده بود، مداومت دادن و پیشرفتن خطرناک بود. بنابراین این رویه را گذاشته و باوجودیکه اشکال زیاد در پیش بود، حفریات عمودی در نظر گرفته شد. کار اشکال زیاد داشت ولی منتج به نتایج قیمنداری شد و یکی از قدیمترین معابد بامیان که شاید با احجاری که افتاده بود بکلی از بین میرفت کشف و از روی آن نظریه بسیار صحیح راجع به طرز تعمیر، سبک عمران، اصول تزئینات، مدرسه اولیه نقاشی و هیکل تراشی بامیان بدست آمده و با نوشته های مکشوفه افق معلومات ما حتی راجع به زبان و رسم الخط و طریقه مذهبی اتباع بودا در اینجا فراخ تر گردید. این مسایل را حتی المقدور پایان شرح میدهم.

این معبد که در نشریات عتیقه شناسی فرانسوی بنام سموچ (G) یاد شده و در ذیل آنرا به همین علامه ممیزه یاد میکنیم، قدیمترین سموچ و معبد بامیان است که تا حال میشناسیم. پلان این سموچ نهایت ساده و عبارت از اطاقی است مربع با سقف گنبدی، در چهار زاویه فوقانی اطاق کمانهائی یکی روی دیگر کشیده و به این اصول کنج های مربع را کم و

مربع را به دایره تبدیل داده اند. در وسط اطاق استوپه کوچکی بود با پلان مربع و در ضلع جنوبی آن که رخ بطرف مدخل دروازه معبد میباید دو پته زینه هم داشت. این معبد با تصاویر رنگه و هیكل های برجسته به هر دو مزین شده و این دو سبک طوری بهم ترکیب شده بود که تصاویر رنگه به اشكال برجسته منتهی میشد و اشخاص عمده را در نظر بیننده مهم نشان میداد. روی همرفته چه در دیوارهای معبد و چه در گنبدی سقف تصویر رنگه روی سطح دیوار از یک گوشه شروع شده و آهسته آهسته برجسته شده میرفت و موضوعات مرکزی را کاملاً برجسته میساختند و باز به تدریج به محض تصاویر رنگه روی دیوار منتهی میشد.

زمانیکه معبد از خاک خالی میشد، دفعته در قسمت انحنای گنبدی یک صحنه بزرگ تصاویر رنگه هویدا شد. الوان این تصاویر به اندازه تازه و درخشان بود که گویی الان رنگ شده باشد. در منتهای الیه راست این صحنه تصویر کوچک بودا تحت درخت «بدھی» رسم شده بود و هیچ برجستگی از خود نداشت. کمی بطرف چپ گفته تصویر دیگر بودا وجود داشت که با نقاب کمی برجسته ساخته شده بود بطرف راست بودا مشاهده میشد، ولی این دو نفر را بواسطه شخصیت بودا محض رنگه کشیده بودند. با این رویه موضوع مرکزی روی صحنه مهم و بیشتر جلب توجه میکرد و این سبک در روم در عصر امپراطور «اگوست» رواج داشت. دیوار ته معبد را مجسمه بزرگ دومتری بودا اشغال نموده بود.

آنچه شرح یافت جزئیات صحنه ئی بود که در انحنای گنبد و قسماً در دیوار ته معبد دیده شد و بدون شبهه این رویه در سائر قسمت های گنبدی و دیوارهای معبد مراعات شده بود.

چون معمولاً تصاویر رنگه روی دیوار که قرن های متوالی با خاک نمناک در تماس باشد و دفعته نور و حرارت افتاب به آن بتابد بلاتاخیر بصورت ورقه جدا و از هم میپاشد. موسیو کرل علاوه بر عکس های لازمه، نوته هایی از رنگ آمیزی های صحنه مذکور برداشته و تصویر رنگه صحنه مذکور به خامه این نقاش ماهر در کتاب **"تجسسات جدید باستان شناسی بامیان"** چاپ شده است و خود تصاویر مذکور بعد از چند ساعت با تماس روشنی آفتاب ریخته و از بین رفت.

در پروگرام تزئیناتی معبد (G) علاوه بر هیكل های بودا، ارباب النواع فرعی «دواتا»، شیاطین «یاکشاه» و عناصر نژادی که شاید اعانه دهندگان کوشانی را با بروت های انبوه افتاده نشان میدهد، داخل و نمونه های متعدد آنها بدست آمده است که در موزه کابل (اطاق بامیان الماری وسط) موجود است.

بالا متذکر شدیم که در وسط معبد استوپه کوچکی هم بود. بلاشبهه قسمت گنبدی آن حین افتادن گنبد معبد ویران و تنها حصه تحتانی آن باقی مانده بود. در صفحات جدار شمالی و شرقی و غربی و در جدار های دو پته زینه جنوبی این استوپه کوچک تابلو های فوق العاده نفیس رسم شده بود. یکی آن «پاری نیروانا» یعنی صحنه وفات بودا را نشان میداد.

این تصاویر قشنگ هم متأسفانه صدمه زیاد کشیده و امکان برداشتن نداشت. بهر حال آنچه از این صحنه هنوز تشخیص می‌شد قرفر ذیل است: پاهای برهنه شخصی بحال دراز کشیدن و حصه تحتانی یلان راهبی، زانو و موزه های شخص غیر روحانی که زانو بر زمین زده نشسته، و سینه و ران های دو نفر غیر روحانی در حالیکه ایستاده اند. بطرف راست قیافه جدی و کمی قهر آلود پیر مرد راهبی که قرار نظریه پروفیسر هاکن عبارت از «کاسیایا»، راهب سالخورده ئی، می‌باشد که حین وفات بودا حاضر بوده و قرار داستان های بودائی خبر مرگ او را به عجله بطرف جنگل می‌برد.

از روی مجسمه ها و تصاویر رنگه این معبد چنین معلوم می‌شود که سبک هیكل تراشی مدرسه گندهارای صنعت یونان و باختری در معابد قدیمه بامیان کمال قوت و نفوذ داشت. روح صنعت یونان و باختری به همان رنگی که در قندوز، در شمال هندوکش و در هده در جنوب آن دیده شده تا زمان آبادی این معبد در بامیان هم به کمال معنی حفظ شده. میان تیپ های نژادی که از هده و بامیان پیدا شده اختلافی جز در مواد نیست (آثار هده کچی و آثار بامیان گلی است که در بعضی موارد ورقه نازک گچ روی آن کار کرده اند). در تصاویر رنگه و عوامل تزئیناتی اینجا مانند بعض سموچ های تازه تر بامیان مثلاً دسته سموچ های (C) نفوذ صنایع ساسانی مشاهده نمی‌شود.

از فاصله میان جدار شمالی استوپه و دیوار معبد پارچه های نوشته ئی هم کشف شد. این نوشته ها روی یکنوع پوست بسیار نازک درخت به رنگ سیاه و بعض نقوش سرخ نوشته شده. متأسفانه نفوذ آب باران طوری اوراق را بهم چسپانیده بود که جدا کردن آنها صعب و با تماس اندک از هم می‌پاشید معذالک پارچه های نسبتاً بزرگی به اندازه (X 10 25) سانتی از ین اوراق در میان قطعات آئینه گذاشته شده و یک قسمت آنها را موسیو «سیلون لوی» صدر مستشرقین فرانسه مطالعه کرده است. این نوشته ها نمونه های رسم الخط و ادب مملکت ما را از قرن 3 تا 8 مسیحی در دوره 500 سال نشان می‌دهد. «سیلون لوی» نمونه قدیم آنرا رسم الخط «کوشانا» یاد کرده و قرن 3 و 4 را برای آن معین نموده و جدیدتر آنها را رسم الخط اخیر گوپتا خوانده و تاریخ آنرا به قرن 7 و 8 قرار می‌دهد.

این بود شرح مختصر آنچه از معبد (G) بامیان در 1930 کشف شد. این معبد اگر چه قدیمترین معبد بامیان نیست ولی حتماً از جمله یکی از معابد قدیمه این دره شهیر محسوب می‌شود و قدیم ترین معبدی است که تا حال پلان عمرانی و نقاشی و هیكل تراشی آن کشف و مطالعه شده است. «معبد پادشاه قدیمه» که به شهادت هیوان تسنگ در هوای آزاد در پای جدار کبیر وجود داشت، معبدی است که علمای مدقق فرانسوی آنرا «معبد و دیر کنیشکای کبیر» خوانده و تاریخ بنای آنرا در عهد سلطنت امپراطور مقتدر کوشان در اواخر قرن اول مسیحی قرار می‌دهند و به این حساب اولین آبدۀ بودائی بامیان تقریباً (1800) سال قبل شروع شده است. از ین بنا تا حال متأسفانه اثری معلوم نیست. شاید روزی به کشف موقعیت و بعضی شواهد آن موفق شویم. معبد (G) که در جمله معابد قدیم بامیان محسوب می‌شود به اساس نظریات موسیو هاکن به قرن سوم مسیحی یعنی دوصد سال یا یک و نیم صد سال بعدتر از «معبد شاه قدیمه»: در جدار کوه کنده شده است.

تصاویر رنگه این معبد نهایت زیبا، الوان آن قشنگ و نظر فریب و هیكل های آن به زیبایی های مدرسه گندهارا ساخته شده که موسیو هاکن تصاویر رنگه آنرا یکی از منابع الهام نقوش و رسامی های عصر تانگ چین میداند. این معبد پیش از ورود مسلمین و عرب ها در اثر عوامل طبیعی و افتادن پارچه ها از قسمت های بلند جدار بامیان دفعتاً و غفلتاً ویران شده. آثار خرابکاری مسلمانان که معمولاً در تصاویر رنگه مشهود است، دیده نشده و چون آئین اسلامیت در اوائل قرن 9 مسیحی به بامیان رسیده میتوان گفت که در حدود 5-6 قرن این معبد آباد بود. خراب شدن آنرا از این جهت غفلتاً تعبیر نمودیم که حتی کتب خود را هم راهبین از اینجا کشیده نتوانسته بودند و اگر مجال می یافتند قطعاً آنها را نمیگذاشتند. در این معبد بعضی سرهای کوچک چوبی هم کشف شده که شاهد قابلیت استادان بامیان در منبت کاری و هیكل تراشی های چوبی هم میباشد.

میلیندا پانه

اقتباس و ترجمه از: «یونانی ها در باختر و هند» تألیف تارن
ترجمه: احمد علی کهزاد

یکی از کتاب های مهم که در عصر سلطنت یکی از پادشاهان یونان و باختری در هند نوشته شده «میلیندا پانه» نام دارد. قراریکه در اسم این اثر ملاحظه میکنید، کلمه «میلیندا» در اول آن دیده میشود و عبارت از شکل پالی نام «مناندر» است. «مناندر» که در حوالی اسکندریه قفقاز در یکی از دهکده های کوهستان و کوهدامن متولد شده اول بحیث جنرال «دمتریوس» شاه یونان و باختری فتوحاتی در هند کرد و متعاقباً بحیث امیر باختر اراضی متصرفی و مفتوحه هندی را اداره میکرد. «میلیندا پانه» را «سوالات مناندر» ترجمه میکنند و عبارت از مناظره فلسفی و ادبی میان شاه و یکی از علمای وقت «نگاسنا» میباشد. این اثر بصورت مکالمه میان شاه و عالم نوشته شده. این کتاب در زبان پالی و ترجمه آن که در قرن 4 مسیحی بعمل آمده به چینی موجود است. قسمت پالی آنرا هم به دو حصه تقسیم میکنند و قسمت دوم را تازه تر از اولی می شمارند. این کتاب راجع به پهلوه های مختلف حیات اجتماعی در عصر زمامداری شاهان یونان و باختری معلومات زیاد میدهد. /مجله آریانا، شماره 18، اول سرطان 1323، کابل/نشر مجدد اپریل 2013، بنیاد فرهنگی کهزاد/